

و کوه‌ها طنین انداختند

اثر
خاله حسینی

ترجمه
مریم مفتاحی

۵۵

نشرالما

سرشناسه	: حسینی، خالد Hosseini, Khaled
عنوان و نام پدیدآور	: و کوه‌ها طنین انداختند / اثر خالد حسینی؛ ترجمه مریم مفتاحی.
مشخصات نشر	: تهران: آلما: انتشارات تهران، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۴۸۴ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	: 978-600-93730-1-7
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا
یادداشت	: عنوان اصلی: And the mountains echoed, 2013.
عنوان دیگر	: و کوه‌ها طنین انداز شدند.
موضوع	: داستان‌های آمریکایی — قرن ۲۰ م.
شماره افزوده	: مفتاحی، مریم، ۱۳۴۳ — مترجم
رده‌بندی کنگره	: الف ۱۳۹۲ و ۹ س / PS۳۶۰۸
رده‌بندی دیویی	: ۸۱۳/۶
شماره کابشناسی ملی	: ۳۲۵۵۱۸۶



تلفن‌های انتشارات: ۲۲۳۰۸۷۰۲، ۲۲۴۵۲۱۹
تلفن‌های مرکز بخش: ۶۶۹۷۴۱۷۷، ۶۶۹۵۹۹۵۸



و کوه‌ها طنین انداختند

خالد حسینی

ترجمه مریم مفتاحی

ویراستار: نوشین کرمان‌نسب

ناشر: آلما (با همکاری انتشارات تهران)

ناظر فنی چاپ: علیرضا درستی

حروفچینی: شبستری

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۲

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی و چاپ: دیبا

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

ISBN 978-600-93730-1-7

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۷۳۰-۱-۷

۱۹۰۰۰ تومان

شما می‌توانید کتاب‌های مورد نیاز خود را از فروشگاه انتشارات تهران تهیه فرمایید

نشانی: تهران، خیابان پاسداران، چهارراه پاسداران، پلاک ۵۱۴

سپاسگزاری نویسنده



پیش از سپاسگزاری، در این جا باید به چند نکته اشاره کنم. روستای «شادباغ» تخیلی است حتی اگر هم چنین جایی در افغانستان وجود داشته باشد، هرگز منظور من از جا بوده است. شعر کودکانه عبدالله و پری، خصوصاً در اشاره به «من پری کوچک غمگینی را می‌شناسم» از شعر شاعر بزرگ فارسی زبان، شادروان فروغ فرخزاد الهام گرفته شده است. عنوان کتاب نیز برگرفته از ترانه زیبای «پرستار» اثر ویلیام بلیک^۱ است.

در این جا می‌خواهم از باب بارنت^۳ و «نین هاول»^۴ به خاطر راهنمایی‌ها و حمایت‌شان از این کتاب بی‌نهایت سپاسگزاری کنم. از هلن هلر^۵، دیوید گروسمن^۶، جودی هاچکس^۷ سپاسگزارم. از چاندلر کروفرد^۸ به خاطر علاقه، حوصله و توصیه‌هایش قدردانی می‌کنم. بی‌نهایت تشکر از دوستانم در ریورهد بوکز^۹، جین مارتین^{۱۰}، کیت استارک^{۱۱}، سارا استاین^{۱۲}، لسللی

1. Nurse's Song

۲. William Blake، شاعر و نقاش بریتانیایی. (۱۷۵۷-۱۸۲۷م).

3. Bob Barnett

4. Deneen Howell

5. Helen Heller

6. David Grossman

7. Jody Hotchkiss

8. Chandler Crawford

9. Riverhead Books

10. Jynne Martin

11. Kate Stark

12. Sarah Stein

اشوارتس^۱، کریگ دی برک^۲، هلن یتوس^۳ و از بسیار افراد دیگری که کمک کردند این کتاب به دست خوانندگان برسد و در این جا به نام آن‌ها اشاره‌ای نشده است، از صمیم قلب سپاسگزارم.

از ویرایش گر فنی کتاب، ویراستار بی نظیرم، تونی دیویس^۴ که سوای ندای وظیفه‌شان از خود جسارت به خرج دادند، سپاسگزارم. از ویراستار بسیار با استعدادم سارا مگ گرات^۵ به خاطر بینش و بصیرتش، راهنمایی‌های خوب و کمک‌های زیادش برای خلق این کتاب تشکر ویژه می‌کنم. سارا، هرگز بیش از این از مراحل ویرایش لذت نبرده بودم.

در پایان، از سوزان پترسن کندی^۶ و جفری کلوکسک^۷ برای باور و ایمان تزلزل‌ناپذیرشان به من و نوشته‌هایم بی نهایت قدردانی می‌کنم.

با تشکر از همه دوستان و همه افراد خانواده‌ام که همواره در کنارم هستند و با صبوری، شجاعت و مهربانی مرا تحمل می‌کنند.

و مثل همیشه، از رویا، همسر خوبم، نه فقط برای خواندن و ویرایش این کتاب و عینیت بخشیدن به آن، بلکه به خاطر گذران روزهای زندگی‌مان بدون حتی زمزمه‌ای اعتراض که در نتیجه آن توانستم بنویسم، بسیار سپاسگزارم.

بدون تو، رویا، این کتاب در همان پاراگراف اول متوقف می‌شد. دوست

دارم.

1. Leslie Schwartz

3. Helen Yentus

5. Sarah McGrath

7. Geoffrey Kloske

2. Craig D. Burk

4. Tony Davis

6. Susan Petersen Kennedy

یادداشت مترجم



بعد از ظهری بهاری پشت میز کارم نشسته بودم و کتابی را ورق می‌زدم که تلفن همراهم زنگ خورد. صدای آشنای آن طرف خط شروع به صحبت از خالد حسینی و کتاب جدیدش کرد و گفتم: ترجمه‌اش کن. بلند شدم. شور و اشتیاقی که در آن لحظه مرا دربرگرفت، تا پایان ترجمه همچنان با من بود. کار با یک تلفن به خارج از کشور شروع شد، و من اینک بسیار خرسندم که ترجمه سومین اثر خالد حسینی، نویسنده افغانی-امریکایی، در اختیار خوانندگان مشتاق فارسی‌زبان قرار می‌گیرد.

عنوان کتاب که شاید اندکی نامأنوس به نظر می‌رسد، از یکی از اشعار ویلیام بلیک شاعر انگلیسی الهام گرفته شده است و کنایه از آن دارد که درد و رنج مردم افغانستان چنان عظیم است که کوه‌ها آن را منعکس کرده‌اند و طنین فریادهایشان در کوه‌ها پیچیده است. به همین علت اصرار دارم دقیقاً به همان شکل به فارسی ترجمه شود. نویسندگان در این رمان با قلمی شیوا و مهارتی ستودنی داستان را با جزئیات دقیق و موجز روایت می‌کند و طرحی ظریف و بااحساس از روحيات و افکار انسان‌های مختلف، جدا از فرهنگ و ملیت، ارائه می‌کند. ابعاد پیچیده‌ای که از زندگی‌های متفاوت مطرح می‌شود، خواننده را به دنیاهای متفاوتی که در نهایت از یک جنس هستند، می‌برد؛ و این اثر را پربار می‌سازد.

پرده‌برداری از درون انسان‌ها، کندوکاو در عمق احساساتشان، ارائه تصویری روشن از تعهدات، وظایف و روابط انسانی که خالد حسینی همواره در رمان‌هایش به آن‌ها می‌پردازد، اثر را در ردهٔ بهترین‌ها قرار می‌دهد و میلیون‌ها نفر از مردم جهان را مشتاق و علاقه‌مند به خواندنش می‌کند.

نگاه رمان «و کوه‌ها طنین انداختند» به زندگی، برخلاف آن‌چه که شاید در ظاهر به نظر برسد، بدبینانه و یأس‌آور نیست، بلکه امید و اشتیاقی که در روایت‌هایش وجود دارد، به نومیدترین و ناکام‌ترین انسان گوشزد می‌کند که اگر فقط یاد بگیرد از کوچک‌ترین اتفاق خوب زندگی‌اش شاد شود، می‌تواند سر بلند کند و به آینده‌ای هرچند کوتاه و هرچند دور دلگرم شود.

خالد حسینی در سال ۱۹۶۵ میلادی در کابل متولد شد. پدرش دیپلمات بود و مادرش در دبیرستان فارسی و تاریخ تدریس می‌کرد. خانواده‌اش در سال ۱۹۷۹، پس از حملهٔ روس‌ها به افغانستان، ابتدا به فرانسه و سپس به آمریکا مهاجرت کردند. خالد حسینی از این بابت خوش‌شانس است و خود در مصاحبه‌اش با خبرنگار نیویورک‌تایمز به این نکته اشاره می‌کند و می‌گوید تنها عامل دوربودنش از فجایع ناگوار افغانستان «طالع محض» است. او از معدود افغانی‌هایی است که این شانس و فرصت نصیبش می‌شود تا از تمام درد و رنجی که بر مردم کشورش تحمیل شد، دور بماند. شاید بتوان در لابه‌لای شخصیت‌های داستان خود خالد حسینی را یافت. تصویری مبهم از خود او که به سرزمین پدری می‌رود تا با مردمش آشنا شود و «هدیهٔ آنها» را دریافت کند.

در ترجمهٔ اثر نهایت تلاشم را کردم ضمن ارائهٔ یک متن فارسی روان و شیوا، به سبک و ادبیات نویسنده وفادار بمانم. کوشیدم با حس و هیجان نویسنده رابطه برقرار کنم تا بتوانم به درستی آن را در ترجمه منعکس کنم و همان احساسات را در خواننده برانگیزم. اینکه چقدر در آن موفق بوده‌ام، داوری با خوانندگان است. اسامی خاص، اصطلاحات و اطلاعاتی که در

جای‌جای داستان به آن‌ها اشاره می‌شود، به گونه‌ای است که ضروری دانستم با ارائه پانویس از سردرگمی خوانندگان بکاهم.

از خالد حسینی دو اثر دیگر به نام‌های «بادبادک‌باز» و «هزاران خورشید فروزان»، منتشر شده است که به فارسی نیز ترجمه شده‌اند و در دسترس خوانندگان ایرانی قرار دارند.



در اینجا لازم می‌دانم از برادرم پیمان و آقای ماهان رویانی‌پور که در اسرع وقت متن اصلی کتاب را به‌دستم رساندند، بی‌نهایت سپاسگزاری کنم. همچنین از دوست و یار دیرینه‌ام خانم سپیده رضوی که ترجمه را خواند و توصیه‌های بجایی کرد، از صمیم قلب سپاسگزارم. و با سپاس و تقدیر از:

آقای عبدالله دوستی مدیر محترم انتشارات تهران و آقای علیرضا دوستی که با زحمات خود امکان چاپ و انتشار این اثر را فراهم نمودند.

و در پایان ترجمه این اثر را تقدیم می‌کنم به شریف قلمکارپور، معلم بزرگ زندگی‌ام.

مریم مفتاحی

تأبستان ۹۲